آمریکا، یک کشور پیوسته ناتمام

نویسنده: رید اوئیدا

بسیاری از شهرهای ایالات متحده محله های مربوط به نژادهای مختلف دارند. مانند محلهٔ یونانی ها در دیترویت. میشیگان که در این عکس دیده می شود.

ایالات متحده "کشوری پیوسته ناتمام" نامیده شده است، زیرا به طور مداوم توسط مهاجران ساخته و بازسازی شده است. در واقع، از قرن نوزدهم تا به امروز، این کشور مقصد برگزیدهٔ مهاجران بوده است. مهاجران تازه وارد چالش مداومی را که در زندگی آمریکایی دارای اهمیت اساسی است، ایجاد می کنند: چگونه جوامع مهاجر که با یکدیگر و با بومیان فرق دارند، می آموزند که بر مبنای همکاری ودر شرایط باز ودر سایهٔ تغییر و انتخاب عمل کنند؟

قانونگذاران و سیاستگذاران ایالات متحده جهت رویارویی با این چالش، قوانینی وضع کردند و اصلاحاتی را به اجرا گذاشتند تا فرصت های بیشتری برای آموزش و پویایی اجتماعی مهاجران ایجاد کنند. رهبران شکل کثرت گرای دموکراسی را که مهاجران تازه وارد را در فعالیت های داوطلبانه و انجمن های مدنی در برمی گیرد ترویج کرده اند. مهاجرت تغییراتی در زمینهٔ اجتماعی و فرهنگی به همراه دارد که به مشارکت مهاجران و شهروندان آمریکایی متولد این کشور در ابداع یک سبک زندگی نهادینه شده و جمعی، هم به عنوان یک جامعهٔ ملی و هم مجموعه ای از جوامع محلی تأثیر پذیرفته از تفاوتهای طبقاتی، نژادی، مذهبی، و فرهنگی، می انجامد.

مهاجران اولیه

در سال های دههٔ 1840، هرسال به طور میانگین 170,000 مهاجر وارد خاک آمریکا می شدند، و در 1850، ده درصد از 23 میلیون نفر جمعیت کل ایالات متحده در خارج از ایالات متحده

به دنیا آمده بودند. از سال های دهۀ 1840 تا جنگ داخلی، مهاجران ایرلندی کاتولیک که از قحطی و گرسنگی فرار کرده بودند، موجب رشد سریع شهرها شدند و نیروی کار مورد نیاز را برای ساختن فاضلاب و راه آهن تأمین کردند. مهاجران آلمانی،هلندی، و اسکاندیناوی به مناطق شمالی غرب میانه آمریکا نقل مکان کردند ودر آنجا مزارع خانوادگی آنها اقتصاد کشاورزی منطق را رونق داد. آنها اغلب جوامع روستایی خود را بر اساس الگوی روستاهای نروژ، سوئد، آلمان، و هلند تشکیل دادند. مهاجرت از جنوب شرقی چین نیز طی این دوره افزایش یافت. کشاورزان و کارگرانی که خانواده هایشان نسل ها در نزدیکی هنگ کنگ و مناطق داخلی کشور زندگی کرده بودند، در پی شرایط بهتر زندگی و فرصت، مهاجرت به ایالات متحده و هاوایی را آغاز کردند.

در ده های پس از جنگ داخلی، جریان مهاجرت به اوج خود رسید. در سال های دهۀ 1880، بیش از 500,000 مهاجر سالانه وارد کشور می شدند. اکثریت این مهاجران تازه وارد همچنان از ایرلند، آلمان، هلند، و اسکاندیناوی می آمدند. برخی از مهاجران نیز از انگلستان و کانادا وارد کشور شدند.

در سال های دهۀ 1890، الگوی مهاجرت از کشورهای شمال و غرب اروپا به کشورهای جنوب و شرق اروپا تغییر یافت و بدین ترتیب ایتالیایی ها، یونانی ها، اسلاوها، و کلیمی های اروپای شرقی و روسیه که در روزنامه های وقت ”مهاجران جدید“ نامیده شده بودند، به ایالات متحده مهاجرت کردند. شمار مهاجرانی که سالانه وارد ایالات متحده می شدند تا مرز یک میلیون افزایش یافت. برخی از افراد بانفوذ و رهبران که از ترکیب جدید جمعیت در اثر مهاجرت می ترسیدند، خواستار ممانعت از مهاجرت آسیایی ها و ابداع سیستم سهمیه بر اساس ملیت شدند تا شمار مهاجران اروپایی، به ویژه از کشورهای جنوب و شرق اروپا را کاهش دهند. در 1921 و 1924، کنگره این درخواست ها را پیگیری کرد و قانون جدیدی به تصویب رساند که به موجب آن سهمیه های محدود کننده ممانعت آفرین اعمال گردید.

از 1930 تا 1960، مهاجرت نقش مهمی در زندگی آمریکایی ایفا نکرد. نظام سهمیه بندی جریان مهاجرت افرادی را که خارج از ایالات متحده متولد شده اند و به طور قانونی پذیرفتنی هستند، به طور چشمگیری محدود کرد. افزوده بر این، میزان بالای بیکاری طی رکود بزرگ اقتصادی مردم را از مهاجرت به ایالات متحده پشیمان کرد، و جنگ جهانی دوم مهاجرت داوطلبانه را به تاخیر انداخت. پس از پایان جنگ جهانی دوم، ایالات متحده تعدادی از پناهندگان را پذیرفت، ولی نظام

جمعیت انبوه هنوز در جشنوارۀ سالانه سن گنارو که برای اولین بار در سال 1926 توسط مهاجران ایتالیایی جنوب شرقی منهتن برگزار شد. شرکت می جوید. این محله از قرن نوزدهم به طور متداوم از موج مهاجران استقبال کرده است.

سهمیه بندی جریان مهاجران را محدود نگه داشت. (برای کسب اطلاعات بیشتر دربارۀ پناهندگان، به نشریۀ الکترونیکی پناهندگان در ایالات متحده زندگی تازه ای بنا می نهند، مراجعه کنید.)

نقطه تحول قرن بیستم

تصویب قانون مهاجرت هارت- سیلیر در 1965، نقطۀ عطفی به شمار آمد. این قانون ممانعت ها و محدودیت ها را بر مبنای نژاد یا ملیت برانداخت و به ساختار مهاجرتی جدیدی با اولویت دادن به گردهم آوردن خانواده ها و قائل شدن ترجیح برای تخصص حرفه ای شکل داد. این قانون درهای ایالات متحده را به روی مردم سراسر جهان باز کرد و باعث هجوم سیل مهاجران چه با تحصیلات عالی و چه دارای تحصیلات کمتر به این کشور شد. شمار مهاجرانی که سالانه وارد ایالات متحده می شدند از میزان مهاجران در اوایل قرن بیستم فراتر رفت. از همه مهمتر این بود که مهاجران دارای ملیت اروپایی جای خود

را به مهاجرانی ازملیت های آمریکای لاتین و آسیایی دادند. در سال 2000، بیش از نیمی از تمامی مهاجران ایالات متحده از آمریکای لاتین، و بیش از یک چهارم آنها از آسیا به این کشور آمده بودند؛ بر خلاف یک قرن پیش که از هر ده مهاجرنه نفرشان اروپایی بودند.

از سال های دهۀ 1970 تا اوایل قرن بیست و یکم- عصری که به سوی جهانی شدن می رود- ایالات متحده برای مهاجران همچنان به صورت مقصد برتر باقی ماند. جمعیت ایالات متحده بیش از همیشه ناهمگون بود، و سابقۀ ایالات متحده به عنوان سرزمین فرصت و یک جامعۀ باز بر روی کثرت گرایی نژادی و فرهنگی،موجب شد که جذب تازه واردان ادامه پیدا کند. درست همانگونه که غذا، گفتار، موسیقی، لباس، و رفتار ملی ایتالیایی ها، آلمانی ها، کلیمی ها، و ایرلندی ها طی انقلاب صنعتی جوامع آمریکایی را تغییر دادند، فرهنگهای مکزیکی، برزیلی، کره ای فیلیپینی، عرب، و مهاجرانی از جزائر کارائیب به رفتار فرهنگی مصرفی عصر پسا صنعتی شکل جدیدی بخشیدند.

انطباق مهاجران جدید

در اواخر قرن بیستم، فرزندان"مهاجران جدید" مهاجران اوایل قرن بیستم از جنوب و شرق اروپا- و نخستین مهاجران آسیایی، هیسپانیک، و کارائیب آن زمان- کاملاً به جامعۀ ایالات متحده جذب و با آن در آمیخته شده بودند. در اوایل قرن بیستم اسلاوها، کلیمی ها، و مهاجران از کشورهای حوزۀ دریای مدیترانه در کانون فرهنگ منطقه ای شمال صنعتی قرار داشتند، در حالیکه مکزیکی ها در جنوب غربی، و چینی ها، ژاپنی ها، کره ای ها، و فیلیپینی های سواحل غربی و هاوایی به شکل عمیقی بر این مناطق

ساموئل حق نور پاکستانی تبار. در سال 2006 به عنوان بهترین دستفروش غذای شهر نیویورک شناخته شد. برای نمونه، "حلال سامی". دکۀ نور نشان می دهد که مهاجران چگونه به غنای فرهنگ و غذای آمریکایی می افزایند و آن را تغییر می دهند.

تاثیر گذاشتند. افزوده بر این، با افزایش تحرک مسکونی و اجتماعی میان فرزندان این مهاجران، تأثیر قومیت در انتخاب کار، آموزش، مسکن، و حتی ازدواج اهمیت کمتری پیدا کرد.

ایالات متحده در عین پذیرفتن تعداد زیادی مهاجر در اوایل قرن بیستم، با موفقیت همبستگی ملی خود را برقرار نگه داشت. اخیراً، چند دانش پژوه و مفسر این پرسش را مطرح می کنند که آیا این الگو با رسیدن مهاجرانی از آمریکای لاتین، آسیا، آفریقا، اروپا، و خاورمیانه همچنان پایدارباقی خواهد ماند؟ برخی از رهبران دولتی و مفسران می گویند که حمایت مداوم از مهاجرت به پیشرفت دراز مدت و در آمیختن تمام گروه های مهاجر بستگی دارد. تاریخ نشان می دهد که جریان های پی در پی مهاجران به ایالات متحده خلاقیت و انعطاف پذیری قابل توجهی در تطبیق با فرهنگ کثرت گرای آمریکا نشان داده اند، و در همان حال به تغییر و تحول آن یاری داده اند.

رید اوئیدا استاد تاریخ در دانشگاه تافتس است. او مؤلف مهاجران بعد از جنگ آمریکا، و یکی از مؤلفان کتاب آمریکایی های جدید است.

این مقاله در نشریه الکترونیکی آمریکا. تحت عنوان آمریکا: یک کشور پیوسته ناتمام.
جلد 15 شماره 9 چاپ شده است. شمارۀ
کامل را از طریق آدرس http://goo.gl/TSb5E دانلود کنید.

نظرات بیان شده در این مقاله لزوماً بیان کننده سیاست های دولت ایالات متحده نیست.